

تأثیر مطالعات اسلامی در علوم سیاسی

بررسی موردی اساتید و دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه مازندران

دکتر علی کریمی (مله)*

چکیده

این مقاله تأثیر دروس اسلامی در رشته علوم سیاسی را به صورت مطالعه موردی ۱۴۰ تن از دانشجویان و اساتید علوم سیاسی دانشگاه مازندران مورد بررسی قرار می‌دهد. مقاله از دویبخش نظری و میدانی تشکیل شده است. در بخش تئوریک، آن دسته استدلال‌های نظری که موجب گنجاندن دروس اسلامی در این رشته شده است، بررسی می‌شوند. این دلایل عبارتند از: تلقی حداکثری از اسلام، کارکرد طبیعی دولت‌های ایدئولوژیک و حفظ متغیرهای الگویی پارسونز. در بخش پرسشنامه، یافته‌ها نشان می‌دهد علیرغم علاقه‌مندی پاسخگویان به این دروس و اعتقاد آنان مبنی بر فایده‌مندی دروس اسلامی، جامعه نمونه بر ضرورت بازبینی در سرفصل‌ها و روزآمد کردن آنها و ارائه از سوی دانشگاهیان تأکید دارد. نکته حائز اهمیت این است که از نظر پاسخگویان، این دروس در فرایند انسان‌سازی مورد نظر نظام سیاسی سهم زیادی ندارند.

کلیدواژه‌ها: دروس اسلامی، علوم سیاسی، دین حداکثری، کارکردگرایی پارسونز، دولت ایدئولوژیک.

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی ایران به مثابه تحول عمیق اجتماعی، تکوین دگرگونی‌های ژرف

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران E-mail: akml0@umz.ac.ir

نه تنها در ساحت سیاسی بلکه تغییرات بنیادین در حوزه فرهنگ و اجتماع را نیز موجب گردید و در این میان عرصه آموزش و فرهنگ، بیش و پیش از دیگر زمینه‌ها مورد توجه انقلابیون و معماران فکری و سیاسی انقلاب اسلامی قرار گرفت. زیرا از منظر آنان، متون و محتوای آموزش‌های دانشگاهی قبل از انقلاب اسلامی، بر آن دسته مبانی معرفتی استوار بود که ارزش‌ها، هنجارها و انسان سیاسی مورد نظر نظام سیاسی نوپای انقلابی را باز تولید نمی‌نمود. در نتیجه، انقلاب فرهنگی و به تبع آن راه‌اندازی رشته‌های جدید دانشگاهی، تدوین سرفصل‌های نوین و بازنگری در سرفصل دروس سابق مورد اهتمام ویژه برنامه‌ریزان درسی آموزش عالی قرار گرفت.

رشته علوم سیاسی از نخستین و مهم‌ترین رشته‌های دانشگاهی بوده که در کانون توجه مهندسان و طراحان انقلاب فرهنگی قرار گرفت تا با گنجاندن عناوین و سرفصل‌های جدید و متناسب با ضرورت‌های انقلاب اسلامی و مبانی معرفتی و مبادی فکری و مقاصد پیش‌روی آن، بتواند دانشجویانی را تربیت نماید که ضمن فراگیری مبانی و روش‌های علم سیاست متعارف، به نظرگاه‌های اسلام در مورد سیاست نیز آگاهی یافته و با پایبندی به آموزه‌های سیاست اسلامی، سیاست‌شناسانی عالم و متعهد پرورش یابند و در خدمت جامعه علمی و اجرایی کشور قرار گیرند.

اینک در آستانه پایان سومین دهه از عمر انقلاب اسلامی، پرسش از میزان اثربخشی و کارایی مطالعات اسلامی در رشته علوم سیاسی از منظر فراگیران و اساتید، سؤالی اساسی است که مقاصد ویژه کاربردی را نیز دنبال می‌نماید. در این راستا، مقاله درصدد است نخست به این پرسش پاسخ گوید که «بر مبنای کدامین خاستگاه نظری و بنیادهای تئوریک در سه حوزه معرفت، سیاست و اجتماع، ضرورت تجدیدنظر در دروس رشته علوم سیاسی موجه می‌گردد؟» سپس بدین پرسش بپردازد که «فراگیران و مدرسین این دروس، ضرورت و فایده‌مندی دروس اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنند، کدام یک از دروس را واجد اولویت تلقی می‌نمایند، چه دیدگاهی در مورد تنوع و تکثر این دروس و نیز چه نقطه‌نظراتی درباره شیوه‌های اثربخش‌تر نمودن آنها دارند؟ برای پاسخگویی به این پرسش‌ها ابتدا آن دسته مبانی نظری که وارد کردن دروس اسلامی در رشته علوم سیاسی را موجه می‌سازند، مرور می‌شود، سپس از راه مطالعه میدانی و ابزار پرسشنامه، داده‌ها گردآوری و تحلیل می‌گردد.

روش تحقیق

این تحقیق از دو بخش نظری و پیمایشی تشکیل شده است که داده‌های قسمت اول از راه مطالعه کتابخانه‌ای، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌گردد، اما داده‌های قسمت دوم از طریق نظرسنجی از دانشجویان و اساتید علوم سیاسی دانشگاه مازندران به وسیله پرسشنامه گردآوری و پس از استخراج داده‌ها و کدگذاری، از طریق نرم افزار spss توصیف و تحلیل آماری می‌شود. لازم به یادآوری است به علت تعداد محدود دانشجویان و به منظور افزایش قابلیت تعمیم، از نمونه‌گیری صرف نظر شده و کل جامعه آماری به صورت تمام شماری و استقراء تام مورد مطالعه واقع شده‌اند. از آنجا که دانشجویان سال اول اغلب دروس اسلامی را نگذرانده و با مضمون آنها آشنایی نداشتند و در نتیجه پاسخ‌های آنان از عمق، واقع بینی و درک عینی کمتری برخوردار بود، از شمول نظرسنجی خارج شده و بقیه به ترتیبی که در مقاله مندرج است، به پرسشنامه پاسخ داده‌اند.

علل نظری بازننگری

اقدام به گنجاندن دروس اسلامی در رشته علوم سیاسی از بنیادهای تئوریک ویژه‌ای سرچشمه می‌گیرد. در این قسمت از مقاله، شناسایی پایه‌های نظری رفتار یاد شده در سه حوزه معرفت، اجتماع و سیاست مورد توجه قرار می‌گیرد. به نظر نگارنده، در حوزه معرفت، تلقی حداکثری از دین اسلام و در حوزه سیاست، الزامات و کارکرد طبیعی دولت‌های ایدئولوژیک و در حوزه اجتماع، ضرورت تداوم نظام ارزشی بر مبنای تئوری کارکردگرایی پارسونز می‌تواند توجه مناسبی برای این بحث باشد. آنچه در پی می‌آید شرح مختصری از ارتباط مباحث یاد شده با اسلامی کردن دروس رشته علوم سیاسی است.

الف) تلقی حداکثری از دین اسلام

بنیادهای معرفتی، جهان‌نگری و نوع انسان شناسی جوامع، چراغ‌راهنمای رفتار کنشگران و نخبگان سیاسی است و حکومت‌های مبتنی بر آن، مبانی، ظرایف و دقایق آموزه‌های آن معرفت را در ارکان شناختی و رفتاری افراد، گروه‌ها و نیز فرایند تصمیم‌گیری لحاظ می‌کنند. دلالت‌های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و منظومه معرفتی پایه‌گذاران نظام فکری و مروجان مبانی ارزشی آن نیز به تبعیت از این قاعده درصدد

برآمد تا با تجلی‌بخشی و نهادینه سازی آن، پایه‌های شناختی در نظام آموزش عالی کشور و به‌ویژه رشته علوم سیاسی، اهداف و مقاصد خود را در راستای سامان‌دهی و بهسازی فکری و هدایت رفتاری مخاطبین، عملیاتی نمایند.

معماران فکری انقلاب فرهنگی با تعریف ویژه‌ای که از انسان، ماهیت دین، هستی و خالق آن ارائه داده و با فرض نیازمندی دائمی بشر و ضرورت حضور و راهنمایی همیشگی قانون‌گذار در حیات اجتماعی انسان، نوعی برداشت حداکثری از دین اسلام متضمن نفی سکولاریسم و متقابلاً همبستگی اسلام با آموزه های سیاسی و اجتماعی (۱) عرضه کردند که طی آن تعالیم اسلام در همه شئون حیات انسانی اعم از دنیایی و اخروی، فردی و اجتماعی، ظاهری یا باطنی و نیز در ساماندهی معیشت دنیایی و مناسبات سیاسی و اجتماعی حضوری مستمر و جدی دارد (۲).

طبق این برداشت دین تمام نیازهای دنیایی و آخرتی را پاسخگوست و متون دینی با توجه به ظاهر و باطن آن، کلیات و جزئیات نیازها را بیان می‌کند. به دیگر سخن، دین تمام نیازهای دنیایی و آخرتی و فردی و اجتماعی را از طریق کلیات و بیان برخی جزئیات برمی‌آورد و جزئیات و مصادیق دیگر از طریق استنتاج از همان کلیات به دست می‌آید. این دیدگاه بر این اعتقاد است که اسلام با به‌کمال رساندن علوم انسانی، مهم‌ترین ره‌توشه را به جوامع بشری اهدا کرد و فقه، حقوق، اخلاق و سایر رشته‌های علوم انسانی را مشروحاً ارائه نمود (۳).

این نگرش، حوزه دخالت دین در سیاست را بسیار وسیع می‌داند و دین را مکلف به ارائه برنامه جامع زندگی انسان در همه ابعاد اجتماعی و سیاسی می‌داند. همچنین عدم برنامه‌ریزی و طراحی نظام را نقص دین می‌داند و بر لزوم استناد مجموعه راهبردهای حکومتی به دین تأکید دارد؛ درعین حال، به صرف عدم مخالفت دستورات و اصول و شیوه حکومت با اسلام و دین کفایت نکرده و به لزوم استناد آنها به دین می‌اندیشد (۴).

این برداشت با تأکید بر این نکته که متافیزیک و اکیسوم‌ها و پارادایم‌های غیرتجربی بر تمام علوم تجربی از جمله علم سیاست اثر می‌گذارند و از این جهت علم سیاست نه تنها اثباتی و تجربی محض نیست بلکه متأثر از متافیزیک دینی است (۵) و با این اعتقاد که اسلام نیز مدعی ارائه نظریه‌ای بدیع و نوین در حوزه سیاست می‌باشد که متمایز از کلیه مکاتب، نظام‌ها و الگوهای حکمرانی سیاسی است، به اسلامی کردن

سیاست نظری اهتمام ورزیده و با گنجاندن برخی دروس در رشته علوم سیاسی در صدد برآمد تا ضمن مهندسی معرفت سیاسی فراگیران، دانش‌آموختگانی آشنا به معارف سیاسی اسلام و ملتزم به آموزه‌های دینی - به روایتی که انقلابیون حاکم ارائه می‌نمایند - تربیت نماید.

(ب) کارکرد طبیعی دولت ایدئولوژیک

معناشناسی ایدئولوژی و کارکردهای آن که بالطبع در عملکرد دولت‌های ایدئولوژیک تجلی می‌یابد از جمله عواملی است که اهتمام دولت انقلابی برای اسلامی کردن رشته علوم سیاسی را تبیین می‌نماید. زیرا ایدئولوژی به مثابه دستگاه نظام‌مند عقیدتی-سیاسی، مدعی عرضه رژیم متعالی حقیقت، خالق نظام معنایی خاصی است که ضمن نقد ترتیبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود، مدعی طراحی نظم مطلوب می‌باشد که به‌طور توأمان هم ساختار فکری پیروانش را پایه‌ریزی می‌کند و هم شالوده تفکر و عمل سیاسی را به‌دست می‌دهد و درصدد است بین فهم و تعهد و تفکر و عمل تلفیق نماید. ایدئولوژی بدین معنا به‌منظور مشروعیت بخشی به رژیم سیاسی و توجیه و هدایت افکار توده‌ها در خدمت گروه‌ها و رهبران و مآلاً دولت‌های ایدئولوژیک قرار می‌گیرد تا شهروندانی باورمند و ملتزم به آموزه‌ها و آیین‌های سیاسی را پرورش دهند (۶).

علاوه بر آن، ایدئولوژی و گفتمان‌های ایدئولوژیک، با ترویج فهم‌های جدید در میان توده‌ها، ساماندهی و صورت‌بندی رفتارهای جمعی اتباع خود را برعهده می‌گیرند و تشکیل و حفظ انسجام گروه‌ها را هدف خود قرار می‌دهند (۷). ایدئولوژی‌ها با طراحی نقشه‌های فکری و عملی به ایجاد رابطه بین افراد و گروه‌ها و ساختار قدرت کمک می‌کنند و وظیفه آموزش و اشاعه انواع حقیقت‌ها و فضیلت‌ها و تعلیم اصول راستین زندگی به مردم و کنشگران بالقوه و بالفعل سیاسی، وفق آموزه‌های ایدئولوژیک را انتظار دارند (۸).

دولت ایدئولوژیک نیز با درک این الزامات، اهتمام همه‌جانبه‌ای به فرایند فرهنگ‌سازی، معنابخشی و جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان به‌طور عام و دانشجویان به‌طور خاص مبذول می‌نماید تا همزمان رسالت آموزش و اطلاع‌رسانی، مشروعیت بخشی، انسان‌سازی و در نتیجه حفظ ساختار قدرت را محقق سازد.

انقلاب فرهنگی پس از انقلاب اسلامی - که یکی از نتایج آن ورود مطالعات اسلامی

به رشته علوم سیاسی بود- نتیجه چنین رویکرد و کارکردی است تا هدف‌های سیاسی- عقیدتی انقلاب از طریق پیش‌بینی دروس عمومی و دارای سمت‌وسوی ایدئولوژیک برای تقویت مبانی دین‌باوری دانشجویان و شکل‌دهی به هندسه معرفتی و توجیه نظری نظام سیاسی انقلابی و ارتقای گرایش اخلاقی و معنوی آنان محقق گردد(۹) تا انسان سیاسی موردنظر نظام سیاسی تربیت شود.

ج) کارکردگرایی پارسونز

یکی از مباحث نظری که می‌تواند علل توجه پایه‌گذاران فکری انقلاب به مطالعات اسلامی در رشته علوم سیاسی را تبیین نماید، الهام‌گیری از نظریه پارسونز در راستای توضیح نقش متغیرهای فرهنگی و نظام ارزشی در انتقال و تثبیت ارزش‌های انقلابی در ذهن دانشجویان و فرایند جامعه‌پذیر ساختن آنان به منظور حفظ و تداوم نظام اجتماعی و سیاسی است. زیرا در این تئوری، رفتار کنشگران به واسطه ارزش‌ها، نُرْم‌ها و دیگر باورها در انتخاب هدف و ابزار، شکل داده می‌شود(۱۰). همچنین جامعه شبکه‌ای از مکانیسم‌های درونی و پیچیده همبستگی در نظر گرفته می‌شود و نقش ارزش‌ها در حفظ و استمرار نظام اجتماعی و همبستگی آن، به صورت کانونی ارزیابی می‌شود. به دیگر سخن، در این تئوری، ارزش‌ها به مثابه زیربنای اجتماع، اهداف زندگی را تعیین و کنش‌های افراد را به سوی آن هدایت نموده و همبستگی اجتماعی را صیانت می‌نماید(۱۱).

طبق این تئوری، هر نظام اجتماعی برای حفظ و استمرار خود ناگزیر از انجام چهار کارویژه اساسی است که عبارتند از:

۱- حفظ و نگهداری الگوهای فرهنگی بنیانی که نهادهای جامعه‌پذیری مانند نهادهای آموزشی، ایفای این کارکرد را بر عهده دارند(۱۲) ۲- وحدت و انسجام بخشیدن به اعضای خود ۳- نیل به اهداف و ۴- سازگاری یا انطباق با محیط. به نظر پارسونز فراگردهای «ملکه ذهن ساختن» و «اجتماعی کردن» در نظام اجتماعی نقش محوری دارند. به این معنا که شیوه‌های انتقال هنجارها و ارزش‌های یک نظام به کنشگران، از اهمیت اساسی برخوردار می‌شود زیرا در فراگرد اجتماعی شدن موفق، این هنجارها و ارزش‌ها ملکه ذهن می‌شوند و به صورت بخشی از وجود کنشگران یا وجدان آنها در می‌آیند(۱۳). با طی موفقیت‌آمیز چنین فرایندی، نظام ارزشی و الگوهای فرهنگی و اعتقادی موردنظر نظام به افراد انتقال یافته و در نتیجه پذیرش اساسی ارزش‌ها و

هنجارها، زمینه استمرار قدرت سیاسی، بقا و تداوم نظام اجتماعی میسر می‌شود. بنابراین با الهام از نظریه پارسونز می‌توان گفت گنجاندن برخی عناوین و دروس اسلامی در رشته علوم سیاسی، سازوکاری برای جامعه‌پذیری سیاسی فراگیران این رشته و فرایند انسان‌سازی سیاسی موردنظر نظام و روشی برای تولید و بازتولید ارزش‌ها و متغیرهای الگویی نظام اسلامی ارزیابی می‌شود تا فراگیران این رشته -که سازندگان فکر و محققان عرصه پژوهش و مدیران اجرایی وسکانداران آینده نظام خواهند بود- انسان‌هایی متعهد و ملتزم به ارزش‌های نظام اسلامی بارآیند.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

در این بخش از مقاله، بعد از گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه، به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است جامعه آماری متشکل از اساتید و دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه مازندران به شرح زیر بوده است: دانشجویان روزانه ورودی سال ۱۳۸۲ به تعداد ۳۳ نفر، ورودی سال ۱۳۸۳ به تعداد ۲۹ نفر روزانه و ۳۰ نفر شبانه، دانشجویان روزانه ورودی سال ۱۳۸۴ به تعداد ۳۷ نفر روزانه و ۳۸ نفر شبانه. به دلایل پیش‌گفته، دانشجویان ورودی سال ۱۳۸۵ از شمول مطالعه خارج شدند. بدین ترتیب تعداد کل دانشجویان کارشناسی شبانه و روزانه دانشگاه ۱۶۷ نفر بوده که ۱۲۱ نفر در نظرسنجی شرکت نمودند. به‌علاوه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد نیز به تعداد ۱۷ نفر و تعداد ۹ نفر از اساتیدی که مسئولیت تدریس دروس اسلامی را بر عهده داشتند، جزء جامعه مورد مطالعه قرار گرفتند. در نتیجه، رقم اعضای جامعه نمونه که در طرح نظرخواهی مشارکت نمودند، ۱۴۰ نفر است. نتایج حاصل از توصیف و تحلیل آماری داده‌های به‌دست آمده برحسب تعداد متغیرها و سطوح سنجش آنها با استفاده از فنون و تکنیک‌های آماری به شرح زیر است:

۱- ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه

الف) جنس

در مطالعه صورت گرفته پیرامون تأثیر مطالعات اسلامی در رشته علوم سیاسی، نمونه مورد نظر ۱۴۰ نفر از دانشجویان و اساتید می‌باشد. از این تعداد ۵۷/۷ درصد نمونه مرد و ۴۲/۳ درصد زن می‌باشند. در این میان ۳ نفر جنسیت خود را بیان ننموده‌اند. بررسی دقیق‌تر این موضوع حاکی از آن است که در میان دانشجویان ۵۱/۸ درصد (۷۱)

نفر) از آنها مرد و ۴۱/۶ درصد (۵۷ نفر) آنها زن می‌باشد و در مقابل از ۹ نفر اساتید، به استثنای یک نفر، بقیه مرد هستند.

جدول شماره ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب جنس

جنس	تعداد	درصد
مرد	۷۹	۵۷/۷
زن	۵۸	۴۲/۳
بی‌جواب	۳	—
جمع	۱۴۰	۱۰۰

ب- وضعیت فردی

در بررسی صورت گرفته ۹۳/۵ درصد از افراد نمونه را دانشجویان و ۶/۵ درصد را اساتید رشته علوم سیاسی دانشگاه مازندران تشکیل می‌دهند. بنابراین مشاهده می‌شود اکثریت افراد نمونه از دانشجویان رشته علوم سیاسی در دوره‌ها و مقاطع مختلف تحصیلی می‌باشند.

جدول شماره ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت فردی

وضعیت فرد	تعداد	درصد
دانشجو	۱۲۹	۹۳/۵
اساتید	۹	۶/۵
بی‌جواب	۲	—
جمع	۱۴۰	۱۰۰

ج- وضعیت تحصیلی

از آنجایی که دانشجویان سال اول رشته علوم سیاسی اغلب دروس اسلامی این رشته را نمی‌گذرانند و طبیعتاً دیدگاه‌های آنان نمی‌تواند چندان صائب باشد، در این تحقیق از دانشجویان سال‌های دوم و بالاتر، نظرخواهی گردید. براین اساس، چنانکه جدول مربوطه نشان می‌دهد، بیشتر پاسخگویان این تحقیق، دانشجویان سال دوم (۳۴/۴ درصد) و سوم (۳۶/۷ درصد) می‌باشند. ۱۵/۶ درصد از دانشجویان سال چهارم و نیز ۱۳/۳ درصد در مقطع کارشناسی‌ارشد مشغول به تحصیل هستند. در این باره ۱۲ نفر پاسخ مشخصی بدین سؤال نداده‌اند که در واقع ۹ نفر از آنها اساتید و ۳ نفر

دانشجویانی اند که وضعیت تحصیلی خود را بیان نکرده‌اند.

جدول شماره ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت تحصیلی

وضعیت تحصیلی	تعداد	درصد
سال دوم	۴۴	۳۴/۴
سال سوم	۴۷	۳۶/۷
سال چهارم	۲۰	۱۵/۶
کارشناسی ارشد	۱۷	۱۳/۳
بی‌جواب	۱۲	—
جمع	۱۴۰	۱۰۰

د- دوره آموزشی

در رشته علوم سیاسی دانشگاه مازندران دوره‌های تحصیلی روزانه و شبانه به‌طور همزمان دایر است. در بررسی صورت‌گرفته بیش از نیمی از دانشجویان (۶۰/۹ درصد) در دوره روزانه و ۳۹/۱ درصد از افراد نمونه در دوره شبانه شاغل به تحصیل هستند. سایر یافته‌ها نشان می‌دهد از میان پسران ۳۲/۳ درصد دانشجویان روزانه و ۲۲/۸ درصد شبانه می‌باشند و در مقابل از بین دختران ۲۸/۳ درصد در سیستم آموزش روزانه و ۱۶/۵ درصد شبانه هستند.

جدول شماره ۴: توزیع پاسخگویان بر حسب دوره آموزشی

دوره آموزشی	تعداد	درصد
روزانه	۷۸	۶۰/۹
شبانه	۵۰	۳۹/۱
بی‌جواب	۱۲	—
جمع	۱۴۰	۱۰۰

ه- محل زندگی قبل از دانشگاه

از افراد نمونه تحقیق خواسته شد «محل زندگی قبل از ورود به دانشگاه» را مشخص کنند؛ نتایج به دست آمده بیانگر آن است که محل زندگی اکثر پاسخگویان، شهر می‌باشد به نحوی که حدود ۶۵ درصد شهر و در مقابل ۳۵ درصد روستا را بیان نموده‌اند. بررسی موضوع حاکی است محل زندگی حدود ۶۰ درصد از دانشجویان

(۸۲ نفر) شهر و ۳۳/۵ درصد از آنها روستا (۴۶ نفر) می‌باشد. همچنین از ۹ نفر استاد مورد بررسی، محل زندگی ۷ نفر از آنها قبل از ورود به دانشگاه شهر و ۲ نفر روستا بوده است.

جدول شماره ۵: توزیع پاسخگویان بر حسب محل زندگی

محل زندگی	تعداد	درصد
شهر	۸۹	۶۵
روستا	۴۸	۳۵
بی جواب	۳	—
جمع	۱۴۰	۱۰۰

و- میزان علاقه‌مندی به دروس اسلامی

بر حسب سرفصل‌های دروس این رشته، دروس اسلامی گوناگونی ارائه می‌گردد. حدود نیمی از اساتید و دانشجویان مورد مطالعه (۵۵/۱ درصد) اذعان نموده‌اند به ارائه این دروس علاقه دارند و نیز ۸ درصد علاقه زیاد نشان داده‌اند. در مقابل حدود دو پنجم از آنها به فراگیری این دروس علاقه‌مند (۳۷ درصد) نیستند.

جدول شماره ۶: توزیع پاسخگویان بر حسب میزان علاقه‌مندی به دروس اسلامی

علاقه‌مندی	تعداد	درصد
خیلی علاقه دارم	۱۱	۸
علاقه دارم	۷۶	۵۵/۱
علاقه‌ای ندارم	۵۱	۳۷
بی جواب	۲	—
جمع	۱۴۰	۱۰۰

ز- رابطه ویژگی‌های افراد با علاقه‌مندی به دروس اسلامی

استفاده از آزمون فی دو (χ^2) جهت تحلیل روابط آماری مختلف حاکی از آن است که بین متغیر جنسیت با علاقه‌مندی به دروس سیاسی ($s=0/15$ و $x=3/7$)، وضعیت تحصیلی با علاقه‌مندی به دروس سیاسی ($s=0/6$ و $x^2=4/1$) و دوره آموزشی با علاقه‌مندی به دروس سیاسی ($s=0/18$ و $x^2=3/4$) هیچ رابطه معناداری مشاهده

نمی‌گردد. گرچه در برخی موارد تفاوت مشهود است اما این تفاوت آنقدر نیست که منجر به شکل‌گیری رابطه معناداری گردد. درخصوص رابطه میان وضعیت فردی و علاقه‌مندی به دروس اسلامی، رابطه معنادار نشان می‌دهد ($s=0/02$ و $x^2=7/7$). بدین معنا که اساتید پاسخگوی تحقیق در مقایسه با دانشجویان به طور معناداری علاقه بیشتری به ارائه دروس اسلامی برای رشته علوم سیاسی دارند.

جدول شماره ۷: توزیع پاسخگویان درباره میزان علاقه‌مندی به دروس اسلامی برحسب ویژگی‌های مختلف

جمع	علاقه‌ای ندارم	علاقه دارم	خیلی علاقه دارم	ویژگی‌های فردی و علاقه‌مندی	
۱۰۰	۳۰/۴	۵۹/۵	۱۰/۱	جنس مرد	
	۴۵/۶	۴۹/۱	۵/۳	زن	
۱۰۰	۳۹/۱	۵۲/۳	۸/۶	وضعیت فردی دانشجو	
	—	۱۰۰	—	استاد	
۱۰۰	۴۷/۷	۴۵/۵	۶/۸	وضعیت تحصیلی سال دوم	
	۳۸/۳	۵۵/۳	۶/۴		سال سوم
	۲۱/۱	۶۸/۴	۱۰/۵		سال چهارم
	۴۱/۲	۴۷/۱	۱۱/۸		کارشناسی ارشد
	—	—	—		—
۱۰۰	۴۴/۲	۴۵/۵	۱۰/۴	دوره آموزشی روزانه	
	۳۲	۶۲	۶	شبانه	

ح- ارزیابی میزان تأثیر دروس اسلامی

پس از مطالعه علاقه‌مندی به دروس اسلامی در رشته علوم سیاسی، درصد بررسی میزان تأثیرگذاری آن دروس در این رشته برآمدیم. یافته‌های آماری استخراج شده حاکی از آن است که اکثریت پاسخگویان (۶۳/۸ درصد برابر با ۸۸ نفر) ارائه دروس اسلامی را مفید ذکر کرده‌اند و در مقابل فقط ۳/۶ درصد آن را مضر دانسته‌اند. حدود یک سوم افراد نیز تأثیر خاصی برای آن قائل نشده‌اند. در ادامه سؤال فوق از پاسخگویانی که گزینه مفید بودن تأثیرگذاری دروس اسلامی برای رشته علوم سیاسی را انتخاب نموده بودند، درباره میزان مفید بودن آن سؤال شد که نتایج نشان می‌دهد بیش از نیمی از افراد فایده‌مندی دروس را در حد بالا اعلام نموده‌اند؛ به‌نحوی که ۹/۳

درصد در حدود خیلی زیاد، ۴۵/۳ درصد در حد زیاد و در مقابل ۳۷/۲ درصد در حد کم و ۸/۱ درصد در حد خیلی کم گزارش داده‌اند.

جدول شماره ۸: توزیع پاسخگویان بر حسب میزان تأثیر دروس اسلامی

تأثیر دروس اسلامی	تعداد	درصد
مفید است	۸۸	۶۳/۸
مضر است	۵	۳/۶
بی‌تأثیر است	۴۵	۳۲/۶
بی‌جواب	۲	—
جمع	۱۴۰	۱۰۰

جدول شماره ۸: توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مفید بودن ارائه دروس اسلامی

میزان مفید بودن	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	بی‌جواب	جمع
تعداد	۸	۳۹	۳۲	۷	۲	۸۸
درصد	۹/۳	۴۵/۳	۳۷/۲	۸/۱	—	۱۰۰

و- رابطه ویژگی‌های فردی با تأثیر دروس اسلامی

نتایج بدست آمده از آزمون فی دو بیانگر آن است که رابطه آماری بین متغیر تأثیر دروس اسلامی با جنس ($s=0/64$ و $x^2=0/87$)، با وضعیت فرد ($s=0/27$ و $x^2=2/5$)، با وضعیت تحصیلی ($s=0/6$ و $x^2=4/4$) و با دوره آموزشی ($s=0/58$ و $x^2=1/06$) تأیید نگردیده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت نظر پاسخگویان بر حسب ویژگی‌های مختلف نسبت به تأثیر دروس اسلامی بر رشته علوم سیاسی یکسان است و تفاوت به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

جدول شماره ۹: توزیع پاسخگویان در زمینه تأثیر دروس اسلامی به تفکیک ویژگی‌های مختلف

ویژگی‌های فردی و تأثیر دروس	مفید است	مضر است	بی‌تأثیر است	جمع	
جنس	مرد	۶۳/۳	۲/۵	۳۴/۲	۱۰۰
	زن	۴۹/۹	۵/۳	۲۹/۸	۱۰۰
وضعیت فردی	دانشجو	۶۲/۵	۳/۹	۳/۶	۱۰۰
	استاد	۸۸/۹	—	۱۱/۱	۱۰۰
وضعیت تحصیلی	سال دوم	۵۹/۱	۲/۳	۳۸/۶	۱۰۰
	سال سوم	۶۵/۲	۶/۵	۲۸/۳	۱۰۰
	سال چهارم	۷۰	۵	۲۵	۱۰۰
	کارشناسی ارشد	۵۲/۹	—	۴۷/۱	۱۰۰
دوره آموزشی	روزانه	۵۹/۷	۵/۲	۳۵/۱	۱۰۰
	شبانه	۶۶	۲	۳۲	۱۰۰

ز- ابعاد فایده‌مندی دروس اسلامی

در ادامه سؤالات قبلی، ابعاد مختلف فایده‌مندی دروس اسلامی برای رشته علوم سیاسی مورد پرسش قرار گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که از میان ۸۸ نفری که به مفید بودن این دروس اذعان نموده‌اند، ۳/۴ درصد بیان کردند که ارائه دروس اسلامی «باعث اسلامی شدن سیاست می‌شود». ۲۲/۷ درصد به موضوع «آشکار شدن اشکالات و معایب سیاسی غیراسلامی» اشاره کرده‌اند. ۱۴/۸ درصد به «تقویت اعتقادات و تعهد اسلامی» توجه کرده و در نهایت ۵۴/۵ درصد که بیشترین نسبت را به خود اختصاص می‌دهد، به موضوع «افزایش دانش فراگیران» اشاره نموده‌اند.

جدول شماره ۱۰: توزیع پاسخگویان برحسب ابعاد فایده‌مندی دروس اسلامی

ابعاد فایده‌مندی	بلی		خیر ^۱		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
باعث اسلامی شدن سیاست می‌شود	۳	۳/۴	۸۵	۹۶/۶	۱۰۰
اشکالات و معایب سیاست غیراسلامی را آشکار می‌کند	۲۰	۲۲/۷	۶۸	۷۷/۳	۱۰۰
به تقویت اعتقادات و تعهد اسلامی کمک می‌کند	۱۳	۱۴/۸	۷۵	۸۵/۲	۱۰۰
به افزایش دانش فراگیران می‌انجامد	۴۸	۵۴/۵	۴۰	۴۵/۵	۱۰۰

ه- ارزیابی عناوین دروس اسلامی

در بررسی وضعیت عناوین مختلف دروس اسلامی، ابعاد گوناگون آن مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج حاصله حاکی است ۲۰/۷ درصد معتقدند «عناوین کنونی دروس اسلامی در رشته علوم سیاسی لازم و کافی است»؛ ۱۳ درصد اظهار کرده‌اند «افزایش دروس دیگر اسلامی به دروس رشته سیاسی مورد نیاز است» و در نهایت ۵۸ درصد اشاره نموده‌اند تعداد دروس اسلامی موجود در رشته علوم سیاسی زیاد است و عناوین و سرفصل‌ها با هم همپوشانی زیادی دارند.

جدول شماره ۱۱: توزیع پاسخگویان برحسب ارزیابی عناوین دروس اسلامی

عناوین دروس اسلامی	بلی		خیر ^۲		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
عناوین کنونی دروس اسلامی در رشته علوم سیاسی کافی و لازم است	۲۹	۲۰/۷	۱۱۱	۷۹/۳	۱۰۰
افزایش دروس دیگر اسلامی به رشته علوم سیاسی مورد نیاز است	۱۸	۱۳	۱۲۲	۸۷	۱۰۰
دروس اسلامی موجود در رشته علوم سیاسی زیاد است و با هم همپوشانی زیاد دارند	۸۱	۵۸	۵۹	۴۲	۱۰۰

۱. در اینجا «خیر» در واقع کسانی‌اند که هیچ‌یک از این گزینه‌ها را علامت زده‌اند.

۲. در اینجا «خیر» به معنای کسانی‌اند که با خواندن هر یک از سؤالات پاسخی به آنها نداده‌اند.

ط- اولویت بندی دروس اسلامی رشته علوم سیاسی

پاسخگویان در جواب به سؤال «به نظر شما کدام یک از عناوین درسی زیر برای دانشجویان رشته علوم سیاسی مفیدتر و ضروری‌تر است؟» حدود ۲۸/۸ درصد برای درس «انقلاب اسلامی ایران» اولویت اول و در مقابل ۱۲ درصد اولویت هشتم؛ برای درس اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران ۲۲/۵ درصد اولویت اول و در مقابل ۱/۸ درصد اولویت هشتم؛ برای درس نظام سیاسی و دولت در اسلام ۱۲/۳ درصد اولویت اول و ۵/۷ درصد اولویت هشتم؛ برای درس دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام ۲۴/۸ درصد اولویت اول و ۸/۲ درصد اولویت هشتم؛ برای درس مبانی اندیشه‌های سیاسی در اسلام ۲۴/۸ درصد اولویت اول و ۶/۷ درصد اولویت هشتم؛ برای درس تاریخ تحول دولت در اسلام ۴/۸ درصد اولویت اول و ۱۴/۴ درصد اولویت هشتم؛ برای درس حقوق بین‌الملل اسلامی ۱۳/۲ درصد اولویت اول و ۱۱/۳ درصد اولویت هشتم و در نهایت برای درس فقه سیاسی ۸/۳ درصد اولویت اول و ۲۷/۸ درصد اولویت هشتم قائل‌اند. بنابراین به لحاظ رتبه‌بندی، اولین رتبه برای درس اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران و آخرین رتبه از آن درس تاریخ تحول دولت در اسلام می‌باشد. در مجموع می‌توان میزان مفید بودن هر یک از دروس را برحسب میانگین رتبه‌های داده شده بدین صورت رتبه‌بندی نمود:

الف) اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، رتبه اول

ب) مبانی اندیشه‌های سیاسی در اسلام، رتبه دوم

ج) انقلاب اسلامی ایران، رتبه سوم

د) دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، رتبه چهارم

ه) نظام سیاسی و دولت در اسلام، رتبه پنجم

و) حقوق بین‌الملل اسلامی، رتبه ششم

ز) تاریخ تحول دولت در اسلام، رتبه هفتم

ح) فقه سیاسی، رتبه هشتم

البته لازم به ذکر است چون دانشجویان مقطع کارشناسی درس فقه سیاسی را نگذرانده و با محتوای آن آشنا نبودند، طبیعی است در ارزیابی آنان، این درس از اولویت برخوردار نباشد و در آخر فهرست قرار گیرد.

جدول شماره ۱۲: توصیف آماری میانگین و رتبه دروس اسلامی رشته علوم سیاسی

رتبه	نما	میانگین	دروس مورد نیاز
سوم	۱	۳/۸۹	انقلاب اسلامی ایران
اول	۱	۳/۳۷	اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران
پنجم	۳	۳/۹۹	نظام سیاسی و دولت در اسلام
چهارم	۱	۳/۹۸	دیپلماسی و رفتار سیاسی اسلام
دوم	۱	۳/۷۱	مبانی اندیشه‌های سیاسی در اسلام
هفتم	۲	۴/۸۱	تاریخ تحول دولت در اسلام
ششم	۶	۴/۷۷	حقوق بین‌الملل اسلامی
هشتم	۸	۵/۱۵	فقه سیاسی

جدول شماره ۱۳: توزیع پاسخگویان درباره دروس اسلامی رشته علوم سیاسی به تفکیک اولویت‌های هشتگانه

رتبه اولویت	رتبه دوم	رتبه سوم	رتبه چهارم	رتبه پنجم	رتبه ششم	رتبه هفتم	رتبه هشتم	رتبه نهم	رتبه دهم	تعداد	درصد
انقلاب اسلامی ایران	تعداد	۳۴	۱۴	۱۲	۷	۱۳	۱۲	۱۲	۱۴	۲۲	۱۴۰
	درصد	۲۸/۸	۱۱/۹	۱۰/۲	۵/۹	۱۱	۱۰/۲	۱۰/۲	۱۲	—	۱۰۰
اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران	تعداد	۲۵	۲۴	۱۳	۱۲	۲۰	۷	۸	۲	۲۹	۱۴۰
	درصد	۲۲/۵	۲۱/۶	۱۱/۷	۱۰/۸	۱۸	۶/۳	۷/۲	۱/۸	—	۱۰۰
نظام سیاسی و دولت در اسلام	تعداد	۱۳	۱۶	۲۲	۱۷	۱۱	۶	۱۵	۶	۳۴	۱۴۰
	درصد	۱۲/۳	۱۵/۱	۲۰/۸	۱۶	۱۰/۴	۵/۷	۱۴/۲	۵/۷	—	۱۰۰
دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام	تعداد	۲۴	۹	۱۳	۱۹	۱۵	۱۳	۸	۹	۳۰	۱۴۰
	درصد	۲۱/۸	۸/۲	۱۱/۸	۱۷/۳	۱۳/۶	۱۱/۸	۷/۳	۸/۲	—	۱۰۰
مبانی اندیشه‌های سیاسی در اسلام	تعداد	۲۶	۱۶	۱۴	۱۰	۷	۱۶	۹	۷	۳۵	۱۴۰
	درصد	۲۴/۸	۱۵/۲	۱۳/۳	۹/۵	۶/۷	۱۵/۲	۸/۶	۶/۷	—	۱۰۰
تاریخ تحول دولت در اسلام	تعداد	۵	۱۵	۱۳	۱۵	۱۳	۱۵	۱۳	۱۵	۳۶	۱۴۰
	درصد	۴/۸	۱۴/۴	۱۲/۵	۱۴/۴	۱۲/۵	۱۴/۴	۱۲/۵	۱۴/۴	—	۱۰۰
حقوق بین‌الملل اسلامی	تعداد	۱۴	۶	۱۳	۱۴	۱۱	۱۸	۱۸	۱۲	۳۴	۱۴۰
	درصد	۱۳/۲	۵/۷	۱۲/۳	۱۳/۲	۱۰/۴	۱۷	۱۷	۱۱/۳	—	۱۰۰
فقه سیاسی	تعداد	۴	۵	۲	۱	۱	۴	—	۲	۱۲۱	۱۴۰
	درصد	۲۱/۱	۲/۳	۱۰/۵	۵/۳	۵/۳	۲۱/۱	—	۱۰/۵	—	۱۰۰

تأثیر مطالعات اسلامی در علوم سیاسی

جدول شماره ۱۴: میانگین ضرورت دروس اسلامی علوم سیاسی به تفکیک ویژگی‌های مختلف پاسخگویان

میانگین دروس مورد نیاز	ایران - اسلامی								
	انقلاب اسلامی	اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران	نظام سیاسی و دولت در اسلام	دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام	مبانی اندیشه سیاسی در اسلام	تاریخ تحول دولت در اسلام	حقوق بین‌الملل اسلامی	فقه سیاسی	
جنس	مرد	۳/۶۳	۳/۸۳	۴/۳۷	۴/۶۵	۳/۸۶	۵/۳۷	۵/۳۱	۳
	زن	۵/۱۸	۳/۳۹	۳/۹۸	۳/۷۵	۴/۰۵	۴/۶۸	۴/۷۳	۶
وضعیت فردی	دانشجو	۴/۳۷	۳/۶۲	۴/۱۵	۴/۱۳	۴	۵	۴/۹	—
	استاد	۴	۲	۴/۷۵	۷/۲	۱/۷۵	۴/۷	۷/۷	۴/۳
	سال دوم	۴/۴	۳/۷	۴/۶	۳/۴	۴/۷	۴/۷	۴/۶	—
	سال سوم	۴/۴	۳/۷	۳/۹	۴	۳/۶	۵/۳	۴/۸	—
	سال چهارم	۴/۱	۳/۴	۳/۷	۴/۷	۳/۷	۵/۱	۵/۴	—
	کارشناسی ارشد	۴/۷	۳/۴	۳/۵	۶/۳	۲/۸	۴/۷	۶/۱	۳/۳
دوره آموزشی	روزانه	۴/۱	۳/۵	۴/۱	۴/۳	۴	۵/۲	۴/۷	۳/۵
	شبانه	۴/۷	۳/۶	۴/۱	۳/۷	۳/۸	۴/۸	۵/۳	۲/۷

ی- شیوه ارائه دروس اسلامی

در ادامه از پاسخگویان خواسته شد درباره شیوه کنونی ارائه این دروس اظهار نظر نمایند. بررسی‌ها حاکی است فقط ۸/۸ درصد شیوه کنونی ارائه این دروس را مناسب ارزیابی نموده‌اند؛ در مقابل ۴۴/۵ درصد نحوه ارائه آن را مناسب نمی‌دانند و نیز در این رابطه ۶۷/۷ درصد نیاز به بازنگری را بیان داشته‌اند.

جدول شماره ۱۵: توزیع پاسخگویان بر حسب ارزیابی شیوه ارائه دروس اسلامی

شیوه ارائه	تعداد	درصد
مناسب است	۱۲	۸/۸
خوب است ولی نیازمند بازنگری است	۶۴	۴۴/۷
مناسب نیست	۶۱	۴۴/۵
بی‌جواب	۳	—
جمع	۱۴۰	۱۰۰

ک- رابطه ویژگی‌های فردی با شیوه ارائه دروس اسلامی

در قسمت زیر به بررسی روابط آماری بین شیوه ارائه دروس اسلامی با جنس ($\chi^2=۳/۵$ و $s=۰/۷$)، وضعیت فردی ($\chi^2=۳/۹$ و $s=۰/۱۴$)، وضعیت تحصیلی ($\chi^2=۱۱/۸$ و $s=۰/۶$) و دوره آموزشی ($\chi^2=۱۵/۶$ و $s=۰/۰۰۰$) پرداخته شده است. چنانکه ملاحظه می‌گردد رابطه دو متغیر دوره آموزشی با شیوه ارائه دروس اسلامی

معنادر گردیده است. بدین معنی که دانشجویان دوره روزانه در مقایسه با دوره شبانه به‌طور معناداری به نامناسب بودن شیوه کنونی ارائه دروس مختلف اسلامی در رشته علوم سیاسی اشاره کردند و در مقابل دانشجویان شبانه به بازنگری دروس بیشتر توجه کرده‌اند.

جدول شماره ۱۶: توزیع پاسخگویان درباره شیوه ارائه دروس اسلامی به تفکیک ویژگی‌های فردی

جمع	مناسب نیست	نیازمند بازنگری	مناسب است	ویژگی‌ها و شیوه ارائه
۱۰۰	۴۱	۵۲/۶	۶/۴	مرد
				زن
۱۰۰	۴۶	۴۴/۴	۹/۵	دانشجو
				استاد
۱۰۰	۴۱/۹	۴۴/۲	۱۴	سال دوم
				سال سوم
				سال چهارم
				کارشناسی ارشد
۱۰۰	۵۸/۴	۳۱/۲	۱۰/۴	روزانه
				شبانه

ل- نحوه ارائه دروس اسلامی

درخصوص نحوه ارائه دروس اسلامی برای دانشجویان رشته علوم سیاسی، به دو موضوع اشاره گردید؛ نخست ارائه از سوی فارغ‌التحصیلان حوزه و دیگری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها. نتایج بررسی حاکی از آن است که اکثریت پاسخگویان با ارائه دروس اسلامی از طریق اساتید حوزه مخالف‌اند؛ به‌نحوی که ۳۵/۸ درصد کاملاً مخالف و ۳۳/۶ درصد مخالف بوده و در مقابل ۲۷/۷ درصد موافق و ۲/۹ درصد کاملاً موافق هستند. در مقابل بیشتر پاسخگویان با ارائه این دروس از سوی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها موافق هستند به گونه‌ای که ۳۰/۷ درصد کاملاً موافق و ۵۶/۲ درصد موافق‌اند و در مقابل ۸/۸ و ۴/۴ درصد به ترتیب مخالف و کاملاً مخالف هستند.

جدول شماره ۱۷: توزیع پاسخگویان بر حسب نحوه ارائه دروس اسلامی

ردیف	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	مؤید	کاملاً موافق	موافق	نوع دروس
۱۴۰	۳	۴۹	۴۶	۳۸	۴	ارائه دروس از سوی	
۱۰۰	—	۳۵/۸	۳۳/۶	۲۷/۷	۲/۹	فارغ‌التحصیلان حوزه	
۱۴۰	۳	۶	۱۲	۷۷	۴۲	ارائه دروس از سوی اساتید	
۱۰۰	—	۴/۴	۸/۸	۵۶/۲	۳۰/۷	فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها	

م- وضعیت محتوای دروس اسلامی

داده‌ها نشان می‌دهد اکثر اساتید و دانشجویان به ضرورت بازنگری در دروس اسلامی رشته علوم سیاسی اعتقاد دارند. طبق یافته‌ها در این خصوص ۴۷/۴ درصد گزینه کاملاً موافق و ۴۴/۴ درصد گزینه موافق را انتخاب نموده‌اند که جمعاً ۹۱/۸ درصد را شامل می‌گردد و کمتر از ۱۰ درصد چنین تغییری را ضروری ندانسته‌اند. در زمینه عدم پاسخگویی به نیازهای فکری و عملی فراگیران، ۴۳/۳ درصد کاملاً موافق و ۴۴/۸ درصد موافق بوده و در مقابل ۸/۲ درصد مخالف و ۳/۷ درصد کاملاً با آن مخالف هستند. در مجموع ۸۸/۱ درصد معتقدند دروس و سرفصل‌های کنونی تأمین‌کننده نیازهای فکری و عملی فراگیران نیست.

جدول شماره ۱۸: توزیع پاسخگویان بر حسب ارزیابی آنان از وضعیت محتوای دروس اسلامی

ردیف	نوع پاسخ	تعداد	درصد	میانگین	تعداد	درصد
۱۴۰	لازمه علاقه‌مند کردن دانشجویان به دروس اسلامی تغییر و بازنگری در این دروس است	تعداد	۶۴	۶۰	۷	۴
	درصد	۴۷/۴	۴۴/۴	۵/۲	۳	—
۱۴۰	محتوای دروس اسلامی رشته علوم سیاسی پاسخگوی نیازهای فکری و عملی امروز دانشجویان نیست	تعداد	۵۸	۶۰	۱۱	۵
	درصد	۴۳/۳	۴۴/۸	۸/۲	۳/۷	—

ن- ارزیابی شیوه‌های اثربخش‌تر نمودن مطالعات اسلامی

برای بهبود و اثربخشی بیشتر مطالعات اسلامی در رشته علوم سیاسی، ۶ محور مشخص گردید و از دانشجویان خواسته شد تا آنها را اولویت‌بندی نمایند. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد شیوه‌های اثربخشی مطالعات اسلامی از منظر دانشجویان به شرح زیر اولویت‌بندی شده است:

الف) حفظ عناوین موجود و روزآمد کردن محتوای آنها، اولویت اول

ب) تدوین منابع آموزشی جدید، اولویت دوم

ج) تقلیل تعداد واحدها و ادغام سرفصل‌های مشابه، اولویت سوم

د) طراحی عناوین با سرفصل‌های جدید، اولویت چهارم
ه) ارائه به صورت اختیاری، اولویت پنجم

و) تدریس آنها از سوی روحانیون، اولویت ششم

طبق یافته‌ها، عمده‌ترین دغدغه و اولویت دانشجویان و اساتید، روزآمد کردن عناوین، محتوا و منابع آموزشی مربوط به این دروس می‌باشد و در مقابل، تدریس از سوی اساتید حوزه و یا اختیاری نمودن آنها کمتر مورد توجه واقع شده است. بر این اساس، عزم پاسخگویی در بهره‌مندی از دروس اسلامی جدی و مشخص است. بررسی دقیق‌تر این موضوع برحسب ویژگی‌های مختلف فردی نیز گزارش شده است؛ چنانکه ملاحظه می‌گردد در زمینه اولویت‌های ذکر شده برحسب جنس و دوره آموزشی چندان تفاوتی مشاهده نمی‌گردد. در میان اساتید توجه بیشتری به طراحی عناوین با سرفصل‌های جدید (با میانگین ۱/۶) در مقایسه با دانشجویان (۳/۳) دیده می‌شود. همچنین در خصوص روزآمد کردن محتوای عناوین نیز اساتید نظر مساعدی داشته‌اند. شایان توجه است با توجه به اولویت‌بندی شیوه‌های مختلف از ۱ تا ۶، هر چه میزان میانگین نمرات داده شده و نیز میانگین نمرات، پایین‌تر باشد، اولویت و رتبه بیشتری را باید برای آنها در نظر داشت.

جدول شماره ۱۹: توصیف آماری اولویت بندی شیوه‌های اثربخش نمودن مطالعات اسلامی

رتبه	نما	میانگین رتبه	میانگین	دروس مور نیاز
ششم	۶	۵/۲۴	۵/۱۳	تدریس آنها از سوی روحانیون
پنجم	۵	۴/۰۶	۳/۷	ارائه به صورت اختیاری
چهارم	۳	۳/۲۸	۳/۱۳	طراحی عناوین با سرفصل‌های جدید
سوم	۲	۲/۹۶	۲/۷	تقلیل تعداد واحدها و ادغام سرفصل‌های مشابه
اول	۱	۲/۷۲	۲/۵	حفظ عناوین موجود و روزآمد کردن محتوای آنها
دوم	۱	۲/۷۴	۲/۵۷	تدوین منابع آموزشی جدید

جدول شماره ۱۹: توزیع پاسخگویان درباره شیوه‌های اثربخش‌تر نمودن مطالعات اسلامی به تفکیک

اولویت‌های ششگانه

شیوه‌های اثربخشی		تعداد	۲	۵	۹	۱۲	۶۱	۴۵	۱۴۰
		درصد	۶/۳	۲/۱	۵/۳	۹/۵	۱۲/۶	۶۴/۲	—
تدریس آنها از سوی روحانیون	تعداد	۶	۲	۵	۹	۱۲	۶۱	۴۵	۱۴۰
	درصد	۶/۳	۲/۱	۵/۳	۹/۵	۱۲/۶	۶۴/۲	—	۱۰۰
ارائه به صورت اختیاری	تعداد	۲۲	۹	۱۳	۲۲	۲۹	۱۷	۲۸	۱۴۰
	درصد	۱۹/۶	۸	۱۱/۶	۱۹/۶	۲۵/۹	۱۵/۲	—	۱۰۰
طراحی عناوین با سرفصل‌های جدید	تعداد	۱۷	۱۶	۲۷	۲۷	۱۴	۳	۳۶	۱۴۰
	درصد	۱۶/۳	۱۵/۴	۲۶	۲۶	۱۳/۵	۲/۹	—	۱۰۰
تقلیل تعداد واحدها و ادغام سرفصل‌های مشابه	تعداد	۳۰	۳۳	۱۴	۱۵	۱۳	۶	۲۹	۱۴۰
	درصد	۲۷	۲۹/۷	۱۲/۶	۱۳/۵	۱۱/۷	۵/۴	—	۱۰۰
حفظ عناوین موجود و روزآمد کردن محتوای آنها	تعداد	۴۱	۲۱	۲۰	۹	۱۸	۱	۳۰	۱۴۰
	درصد	۳۷/۳	۱۹/۱	۱۸/۲	۸/۲	۱۶/۴	۰/۹	—	۱۰۰
تدوین منابع آموزشی جدید	تعداد	۳۱	۲۹	۲۷	۱۵	۹	۳	۲۶	۱۴۰
	درصد	۲۷/۲	۲۵/۴	۲۳/۷	۱۳/۲	۷/۹	۲/۶	—	۱۰۰

جدول شماره ۲۰: میانگین شیوه‌های اثربخش‌تر کردن دروس اسلامی طبق ویژگی‌های مختلف پاسخگویان

میانگین شیوه‌های اثربخش		تدریس همی روحانیون	ارائه بصورت اختیاری	طراحی سرفصل‌های عناوین جدید	تقلیل تعداد واحدهای و ادغام سرفصل‌ها	حفظ عناوین موجود و روزآمد کردن محتوای آن	تدوین منابع جدید
		جنس	مرد	۵/۲	۴/۳	۲/۸	۲/۹
	زن	۵/۲	۳/۷	۳/۷	۲/۹	۲/۵	۲/۶
وضعیت فردی	دانشجو	۵/۲	۴	۳/۳	۲/۹	۲/۶	۲/۷
	استاد	۵/۸	۴/۴	۱/۶	۲/۴	۴/۲	۲/۶
وضعیت تحصیلی	سال دوم	۵	۳/۵	۳/۴	۳	۲/۶	۳/۱
	سال سوم	۵/۵	۴/۴	۳/۴	۲/۵	۲/۴	۲/۶
	سال چهارم	۴/۹	۴/۵	۳/۶	۳/۸	۲/۳	۱/۹
	کارشناسی ارشد	۵/۴	۳/۷	۲/۴	۳/۴	۳/۷	۲/۳
دوره آموزشی	روزانه	۵	۳/۷	۳/۵	۲/۹	۲/۷	۲/۸
	شبانه	۵/۴	۴/۴	۳/۲	۲/۹	۲/۴	۲/۵

نتیجه‌گیری

داده‌های تحقیق نشان می‌دهد دود ۶۰ درصد جامعه آماری به دروسی که با مضامین اسلامی در رشته علوم سیاسی ارائه می‌شود، علاقه دارند و البته بین این علاقمندی با متغیرهای جنسیت و وضعیت تحصیلی در دوره‌های شبانه یا روزانه رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. مطابق یافته‌های این تحقیق، ۶۳/۸ درصد جامعه آماری به مفید بودن دروس اسلامی برای دانشجویان این رشته باور دارند و از میان باورمندان به فایده‌مندی دروس اسلامی، بیش از نیمی اعتقاد دارند مطالعات اسلامی باعث افزایش دانش فراگیران می‌شود و فقط ۱۴/۸ درصد نظر داده‌اند که گنجاندن این دروس موجب تقویت اعتقادات و تعهد اسلامی فراگیران می‌شود. این نکته بدین معناست که چنانچه هدف نظام سیاسی و برنامه‌ریزان انقلاب فرهنگی از ارائه این دروس، انسان‌سازی سیاسی و انتقال ارزش‌های سیاسی مورد نظر نظام به فراگیران بوده باشد، این هدف محقق نشده و نمی‌شود.

طبق یافته‌های تحقیق، بازنگری در عناوین و سرفصل‌ها با ۵۸ درصد و شیوه ارائه این دروس و روزآمد نمودن آنها با حدود ۸۰ درصد از منظر پاسخ‌دهندگان ضروری شناخته شده است؛ به علاوه رابطه بین دو متغیر دوره آموزشی با شیوه ارائه دروس اسلامی معنادار نشان داده است. یعنی دانشجویان دوره روزانه در مقایسه با دوره شبانه به‌طرز معناداری به نامناسب بودن شیوه کنونی ارائه دروس اسلامی اشاره نموده‌اند. در همین رابطه، هر چه به پایان دوره کارشناسی نزدیک می‌شویم اعتقاد به عدم تناسب شیوه‌ها از فراوانی و وضوح بیشتری برخوردار می‌شود.

بر اساس این تحقیق، پاسخ‌دهندگان به‌طرز معناداری بر ارائه دروس اسلامی از سوی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و نه حوزویان تأکید داشته و اکثریت قابل‌ملاحظه‌ای از آنان اعتقاد دارند محتوای کنونی این‌گونه دروس در رشته علوم سیاسی اکتفا کننده و رافع نیازهای فکری و عملی امروزی فراگیران نیست. در نتیجه، روزآمد کردن محتوای دروس موجود نخستین اولویتی به شمار می‌آید که جامعه آماری برای بیان شیوه‌های اثربخش‌تر نمودن مطالعات اسلامی انتخاب نموده است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- محمدحسن قردردان قراملکی، قرآن و سکولاریسم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴، صص ۱۵۰-۱۰۸.
- ۲- عبدالحسین خسروپناه، انتظارات بشر از دین، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۰.
- ۳- عبدالله جوادی آملی، انتظار بشر از دین، قم: اسرا، ۱۳۸۰، صص ۱۸۲-۱۸۱.
- ۴- کاظم قاضی‌زاده، سیاست و حکومت در قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۳۴.
- ۵- خسروپناه، منبع پیشین، صص ۵۱۱-۵۰۷.
- ۶- آندرو هی وود، درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۹، ص ۳۱.
- ۷- حمیدرضا اخوان‌مفرد، ایدئولوژی انقلاب ایران، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵.
- ۸- ال تی سرجنت، ایدئولوژی‌های سیاسی معاصر، ترجمه محمود کتابی، تهران: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۷، ص ۱۷۶.
- ۹- علی‌محمد حاضری، انقلاب و اندیشه، تهران: پژوهشکده امام‌خمینی و.....، ۱۳۸۰، ص ۱۷۲.
- ۱۰- تقی آزاد ارمکی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ سوم، تهران: سروش، ۱۳۸۳، ص ۴۲.
- ۱۱- حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴، ص ۸۵.
- ۱۲- غلام‌عباس توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ دوم، تهران: سمت، ۱۳۷۰، ص ۲۴۷.
- ۱۳- جورج ریتزر، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۶.

Abstract

This article examines the impact of the Islamic topics on the discipline of political science through survey reaserch of 140 samples of the students and

professors of Mazandaran state university. This article has two sections. In the first part it seeks the theoretical foundations caused the islamization of the political science discipline after the islamic revolution. These foundations refer to maximalist view of islam, the natural functions of ideological governments and maintenance of pattern variables according to Talkot Parson,s theory.

In the second part of the article, according to the findings of the questionnaires, the respondents believe on the desirability and usefulness of the islamic syllabuses in the discipline of political science, but simultaneously they believe on the necessity of changing and updating them too. The most important point is that according to the data, the contribution of these topics to the process of political-man making of the Islamic regime is not as it was expected.

Keywords: Islamic topics, political science, maximalist view on religion, functionalism, ideological government